ایران گردی ارزی که داوطلبانه و با اشتیاق به کشور وارد میشود

بالاخره پس از سه سال که از تصویب قانون توسعهء صنعت ایران‏گردی و جهان‏گردی میگذرد،در تیر ماه امسال هیأت دولت آئین‏نامه اجرائی قانون‏ مذکور را تصویب نمود.

اولین بحث ما،اگرچه مستقیما مربوط به موضوع‏ ایران‏گردی نمی‏شود،لیکن به قانون و آئین‏نامه‏ آن مربوط است-که طبعا میتواند در مورد سایر قوانین و آئین‏نامه‏ها نیز صادق باشد.و آن اینکه: آیا پس از طی مراحل پر پیچ و خم تنظیم و اصلاح مکرر در مکرر یک لایحه،و تقدیم آن به مجلس و مراحل‏ گوناگون تصویب آن،تهیه و تصویب آئین‏نامه یا آئین‏نامه‏های اجرائی مربوط به آن چه مدت زمانی‏ باید طول بکشد؟زیان حاصل از تأخیر در تنظیم‏ چنین آئین‏نامه‏هائی متوجه چه دستگاه و سازمانی‏ است.و اصولا-با توجه به اینکه روح و قدرت واقعی‏ هر قانون در آئین‏نامه‏های اجرائی آن نهفته است، چگونه میتوان مطمئن بود که هدف قانون‏گذار، بطور کامل،در تهیه آئین‏نامه‏های مربوط،رعایت‏ میشود؟پس از آن تذکر حاشیه‏ای وارد متن میشویم. اصطلاح جهان‏گردی و ایران‏گرئی لااقل از نقطه‏ نظر واضعین قانون که بی‏شک هدفشان جلب ارز از طریق توریست به کشور بوده است،دو اصطلاح- متضاد است زیرا که ایران‏گردی جذب ارز و گردش‏ پول در داخل،را متباد در به ذهن میسازد در حالیکه‏ جهانگردی،از فرصت عامه به معنی اینست که انسان‏ با مقداری کم و بیش پول و زاد راه،به کشورهای دیگر برود و در نهایت نیز یا مانند سعدی با کولباری از علم و فضیلت و اندوختهء معنوی به کشورش بیاید یا مانند خیلی از جهانگردان سالهای قبل از مضیقهء ارزی کنونی، باید چمدانهائی سرشار از بنجل‏های مصرفی برگردد.

بنابراین در اینجا هرینه ارزی و درآمد ارزی در کنار هم قرار گرفته‏اند.

اگر اندکی دقیق‏تر شویم-برای این مسأله-یک‏ توجیه منطقی نیز میتوان یافت و آن اینکه توریسم‏ اگر بصورت منطقه‏ای باشد و یک جهانگرد در یک سفر واحد از چندین کشور همجوار دیدن کند،طبعا حجم‏ کلی توریسم افزایش مییابد و هر کشور،بسته به قدرت‏ و توانائی جذب درآمد یا موجودی توریستها،سهمی‏ از آن ببرد.بر همین فرض است که امروز کشورهای‏ نزدیک به هم سعی میکنند سازمانهای مشترک توریستی‏ تشکیل دهند و گردشها یا تورهای چند کشوری و منطقه‏ای دائما وسعت بیشتری مییابد.

ماده یک آئین‏نامه مورد بحث اشاره به این دارد که به منظور جذب و ترغیب‏"جهانگردان خارجی‏" ....اگر در کل آئین‏نامه دقت کنید ملاحظه خواهید کرد که ناظر بر جهانگردان خارجی یا حداکثر "ایرانیان مقیم خارج‏"میباشد،که این نیت جلب و جذب ارز خارجی را آشکار میسازد که البته باید مورد نظر و توجه باشد.اما باید دقیقا توجه داشته باشیم‏ که صنعت توریسم منحصر به توریست یا به اصطلاح‏ ایرانگردی یا سیاست،منحصر به خارجیها نیست. تقریبا بدون استثنأ در تمام کشورهائی که به این‏ صنعت توجه دارند،نخستین هدف برنامه‏ریزان‏ جلب و جذب توریست داخلی و حرکت دادن آحاد ملت خود برای دیدار از دیگر نقاط کشور و ایجاد شغل و کار و کسب از این طریق بوده و هست تا جائیکه‏ مثلا در امریکا متجاوز از 90 درصد از توریستهای آن‏ کشور را اتباع امریکا تشکیل میدهند.در تمام کشورهای‏ اروپائی و خاور دور نیز بیشترین تعداد مسافران‏ اتباع داخلی کشورها هستند.

فلسفهء این امر هم روشنا است هر کس ایام مرخصی‏ و بیکاری و درآمد اضافی برای گشت و گذار به روزها و مبلغ معینی دارد.اگر روزها و هزینه سفر را در داخل‏ مصرف کند طبعا فرصت و مبلغی برای خرج کردن در خارجی باقی نمی‏ماند.میدانیم که توریستی که از کشور خارج میشود و در هر صورت باید پول خود را-اعم از اینکه توسط سیستم بانکی باشد یا خرید از بازار آزاد-به ارز تبدیل کند و از نظر اقتصاد کلان‏ بهر صورت این امر یکنوع خروج ارز و سرمایه از کشور است و کار و مشاغل توریستی را در دیگر کشورها توسعه میدهد در حالیکه توریست داخلی ارز بری‏ ندارد و کار و مشاغل مربوط را برای هموطنان بوجود می‏آورد.بنابراین قاطعا میگوئیم که در امر توریست‏ باید توجه اولیه و اساسی معطوف به جلب توریست‏ داخلی و تشویق مردم کشورمان به دیدار از دیگر نقاط کشور باشد که این امر اثرات مثبت دیگری هم‏ دارد از جمله آمیزش فرهنگها و زنده نگهداشتن و توسعهء سنتهای ایرانی در سطح سراسر کشور و افزایش‏ علاقمندی به میهن آباد و اجدادی.

اگرچه متأسفانه آمار درستی از درآمدها و هزینه‏های توریستی نداریم و قوانین سخت خروج‏ ارز از کشور از زاویه‏ایکه مورد بحث ماست سبب‏ مخفی نگهداشتن ارقام واقعی خروج ارز مسافری از کشور میشود.زیرا که در حال حاضر هر مسافر حداکثر میتواند یکهزار دلار-صرفنظر از اینکه از چه منبعی‏ تهیه شده باشد-با خود از کشور خارج نماید.آشکار است که با این مبلغ نمیتوان مسافرت کرد ناچار بقیه یا بصورت مخفی خارج میکنند و یا بصورت خرید قالی و قالیچه و پسته و به ثمن بخس فروختن‏ آنها در خارج و خراب کردن بازار صادراتی.با اینهمه‏ آماری که که از سال 1371 در دست داریم نشان میدهد که در آن سال درآمد ما از مسافران و امر مسافرت فقط 38 میلیون دلار بوده است در حالیکه هزینه‏مان برای‏ این امر 734 میلیون دلار بوده باین تتیب‏تر از هزینه‏ توریستی 696 میلیون دلار کسری نشان میدهد.

متأسفانه در زمینه توریست-و خاصه توریست‏ داخلی سالهای متعادی تبلیغات معکوس رواج داشت‏ و این امر به تأسیسات توریستی و کسانیکه از این راه امرار معاش میکردند،صدمه زیاد وارد آورد و هنوز هم‏ توریست داخلی بعنوان فردی خوش‏گذران و عیاش‏ و بیکاره تلقی میشود که باید این نحوهء تلقی عوض‏ شود.توریست فردی است که با میل و رغبت مبلغی‏ از درآمد و پس‏انداز خود را برمیدارد بقصد دیدار دیگر نقاط رنج سفر را بر خود هموار میکند تا آن‏ موجودی را خرج کند و به زادگاه خود بازگشت نماید. اگر از دیدگاه توریست خارجی به مسأله نگاه کنیم‏ موضوع از جهات گوناگون حائز اهمیت است:

نخست آنکه توریست فردی است که داوطلبانه‏ مبلغی ارز برای خرید کردن بر میدارد و راهی کشوذ مقصد میشود.ما باید آنقدر مهارت داشته باشیم که‏ توریست را مشتاق کنیم داوطلبانه تا دینار آخر پول‏ خود را در کشورمان خرج کند و رضایت باطنی او نیز جذب شود تا بار دیگر به کشور ما باز گردد.

اینکه فقط ما یک اتاق خواب و یک ناشتائی سر هم‏ بندی شده و احیانا یک رستوران برای شام و ناهار در اختیار توریست بگذاریم کافی نست.توریست‏ هم نقاط دیدنی میخواهد،هم استراحت.این مقاله‏ اجازه بحث در جزئیات را نمیدهد،والا به شما می‏گفتم که نویسندهء این سطور در یکی از سفرهای‏ خود در یک کشور اروپائی شب نتوانست از"خرناسه‏" همسایهء مجاور بخوابد.فردا صبح که شکایت به مدیر اجرائی هتل برد،ظرف چند لحظه اتاق او را عوض‏ کرد و معلوم شد اتاق همسایهء آنطرفی نیز به همین‏ دلیل حالی شده است.خوب،این ریسک کار است. سه اتاق،به قیمت یک اتاق در اختیار یک مسافر قرار میگیرد ناراحت باشد و در عین حال به دو مسافر دیگر نیز اتاقهائی واگذار میشود که شکایت نداشته‏ باشند.برخوردها باید بلند نظرانه و آینده‏نگر باشد. این رفتار شایسته در حقیقت نوعی هزینه بیمه‏ توریست تلقی میشود و آنهم از نوع بالای آن،یعنی‏ بیمه استراحت او

البته همهء توریستها باستانشناس نیستند. اکثر کسانی هستند که میخواهند ایام فراغت را با آرامش در سرزمینهای دیگر بگذارنند و نادیده‏ها را به بینند و غذاهای تازه بخورند.با مردم جدید و طرز زندگی جدید آشنا شوند و دنیای درون خویش‏ را پربارتر و بعبارتی وسیعتر و عمیق‏تر سازند.

پاره‏ای نیز به قصد زیارت اماکن مقدسه می‏آیند.با اینهمه اگر فرض شود یک زائر به آسایش و استراحت و دیگر تازگیهائی کشوری که به آن مسافرت میکند مطلقا نیازی ندارد اشتباه است.تارکین دنیا را نباید در میان توریستها جستجو کرد.

یکی از موارد جالبی که در آئین‏نامهء مورد بحث‏ مشاهده میشود،ماده یازده آنست که مرکز آموزش‏ خدمات ایران‏گردی و جهان‏گردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را موظف میسازد برای فعالان امر توریست خدمات آموزشی کاربردی فراهم کنند. در کشورهای پیشرفته برای جلب توریست و آگهی‏های فراگیر جهانی که جای خود دارد،حتی‏ برای ارائه غذا در سر میز مدارس تخصصی با تعلیمات‏ دقیق و خاص وجود دارد.فراموش نمیکنم روزی در اصفهان در مسجد امام یک توریست کانادائی به من‏ گفت چرا شما بلد نیستید پول جمع کنید؟گفتم‏ چطور؟گفت در اینجا از من 5 تومان گرفته‏اند در حالیکه اگر 5 دلار هم می‏طلبیدند با اشتیاق‏ می‏پرداختم.از سوی دیگر اینجا نه یک جای استراحت‏ برای نوشیدن یک چای یا قهوه یا نوشیدنی سرد وجود دارد و نه حتی چند صندلی و نیمکت برای‏ کسانیکه بخواهند در این فضای روحانی با خود خلوت کنند وجود ندارد.مهمتر آنکه امروز گرانترین‏ کتابهای دنیا مجموعه‏های رنگی مربوط به‏ شاهکارهای هنری است و من در همهء عمرم چیزی‏ زیباتر از مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله و آثار تاریخی تخت جمشید ندیده‏ام.اما یک کتاب کامل‏ یا یک مجموعه اسلاید از آنها وجود ندارد که بطور مرتب برای فروش عرضه شود.در مورد شاهکارهای‏ فرش هم مجموعه‏های کاملی وجود ندارد.حتی از کوهها و مناظر بی‏همانند روستائی و عشایری ایران‏ مجموعه‏های متقرقی که چاپ شده کامل نیست در حالیکه همهء اینها میتواند پولساز باشد."حقیقت‏ اینست که جز تصدیق گفته‏های این توریست‏ نمیتوانستم کاری انجام دهم.

در کشور ما توریست از مزیت خاصی برخوردار است‏ و آن سنت میهمان دوستی و غریب نوازی ایرانیان‏ است.در حالیکه در خیلی از کشورها توریستها را به نحوی مورد اجحاف و غارت قرار میدهند،در اینجا سنت‏"میهمان حبیب خداست‏"در مورد توریستها حکومت میکند حکم و سنت اسلامی کمک به‏ "ابن سبیل‏"یا در راه ماندگان را مردم ایران در مورد توریستها نیز تا حد امکان رعایت میکنند.